

جعفر گودرزی رییس انجمن منتقدان سینما:

«وحشی» و جایی که نایستادن، عمیق ترین جنایت است

■ در تاریکی مطلق، صدای تلفنی که دیگر کسی جوابش را نمی دهد، ما را به درون تونلی می برد که روشنایی اش را کارگرانی به پیشانی بسته اند؛ نوری لرزان، محکوم به خاموشی. با خاموش شدنش، تیتراژ آغاز می شود؛ نه فقط مقدمه ی یک داستان، که بیانیه ی بصری از جهانی که در آن عدالت، مثل برق معدن، سهمیه بندی شده. جهانی که در آن زندگی، معطل پرداخت حقوق است و حقیقت و عدالت، پشت چراغ قوه ها پنهان می ماند.

گروه فرهنگ و هنر – سریال «وحشی» ساخته هومن سیدی که از فیلم نت پخش می شود تراژدی مدرنی است از انسان بی پناه در عصر گم گشتگی و جدان. در این سریال، دوربین نه صرفاً راوی، که ابزاری برای کاویدن ساخت های تاریک روان انسان معاصر است. اثری که در دو قسمت نخست خود با فریمی سنگین از خشم، شرم و انفعال آغاز می شود و شخصیتی را در مرکز می نشاند که بیش از هر چیز، «معلق» است؛ برزخی میان کشش و سکوت، تقصیر و فرار، بزودی و حقیقت.

آغاز سریال با تمهیدی شاعرانه و تمثیلی –خاموشی چراغ پیشانی کارگران سَنه تنها استعاره ای از فروپشتن چشم پر ظلم است، بلکه کلیدی ست برای ورود به جهان «داو»ی که خود، چراغی نمی افروزد؛ تنها در روشنایی دیگران حرکت می کند و با خاموشی شان، سرگردان می شود. داود نه قهرمان است، نه ضد قهرمان؛ او «مفعول» است در برابر روایت، در برابر فاجعه.

حتی انتخاب نام او نیز بی معنا نیست. در فرهنگ عامه، «داود» با صدایی خوش شناخته می شود؛ صدایی نافذ، تاثیر گذار، نغمه پرداز. اما در جهان بی صدا و خفگی «وحشی»، داود نه می گوید، نه شنیده می شود؛ او نغمه ای ست خفه شده، پژواکی از جنجره های که دیگر

توان آواز ندارد. تضاد میان بار معنایی این نام و وضعیت وجودی او، استعاره ای ست از انسانی که صدای عدالت و شفقتش، در هیاهوی خشونت و بی عملی گم شده. در جهانی که قانون جنگل حکم می راند، داود یا باید ایستادگی کند یا در آن حل شود؛ و او، در برزخ میان این دو، معلق مانده است.

هومن سیدی در «وحشی» قصه نمی گوید، اقلیمی می سازد. اقلیمی که وجدان انسان مثل ضبط صوتی معیوب، گاه روشن می شود، گاه خاموش؛ و هیچ چیز آن طور که باید، کار نمی کند. در این جهان، قهرمانی وجود ندارد؛ تنها انسان هایی هستند که می توانستند کاری بکنند و نکردند. سیدی می خواهد ما را در بی پناهی داود غرق کند. داود قاتل نیست، اما نجات دهنده هم نیست و در سینمای سیدی، شاید بی عمل ترین آدم، خطرناک ترین باشد.

سیدی بار دیگر مدیوم تصویر را نه به عنوان ابزار، که به عنوان زبان اصلی روایت انتخاب کرده. ماشین داود، ذهن فرسوده ی اوست. ضبط صوت، پژواک وجدان نیمه زنده اش، بیابان، خلأیی ست که انسان معاصر در آن گم شده. دوربین، نگاه نمی کند؛ داوری می کند. سیدی نمی خواهد بپهمیم، می خواهد حس کنیم و این، تمایز یک اثر تصویری با یک قصه ی گفتاری ست. «وحشی» جهان قضاوت

نیست، جهان خفگی ست. آتش زدن عروسک و لباس ها، نه صرفاً یک فعل، که تصویر ناب خاک سپاری بی صدای انسانیت است. آن جا که دوربین به کاپوس بدل می شود، سیدی موفق تر است.

ماشین داود، نه فقط یک وسیله ی تردّد، که تجسمی از ذهن فرسوده و درهم شکسته ی اوست؛ همان طور که ضبط صوت معیوب، پژواکی ست از وجدان لرزان و خاموش ناشدنی. آتش زدن عروسک و لباس ها، تنها یک فعل نیست؛ تصویر ناب خاک سپاری بی صدای انسانیت است. سیدی آن جایی موفق تر است که دوربین را تبدیل به کاپوس می کند، نه تماشاگر.

در نقش داود، جواد عزتی به بازیگری بی کلام و بی ادعا رسیده. با چشم، تنفس، دست و سکوت بازی می کند؛ بازی در خشنایی در چهار جوبی درست. مردی که در چشماش چیزی بین ترس و پشیمانی زنده است. نه قاتل است، نه قربانی؛ «شریک سکوت» است. او نقش را بازی نمی کند، زندگی اش می کند. حرکت های کند، نگاه های خالی، تنفس های سنگین؛ همه می گویند این مرد، خودش را گم کرده. او نه قهرمان است، نه باز نشده، فقط یک مرد گیج در لحظه ی داوری است.

شخصیت اصلی سریال، مردی ست میان سال، خسته، و در آستانه ی



فرسایش روان. داود نه تصمیم می گیرد، نه مقاومت می کند؛ فقط انسانی که در لحظه ی تصمیم، پشت فرمان مانده. و بعد از همه چیز، تنها چیزی که برایش می ماند، یک ضبط صوت معیوب و انگشتی گم شده است.

تماشای سکانس های خواب زده و مایخولیایی داود، حضور پررنگ ناخودآگاه فر ویدی را بر جسته می کند و برای نشان دادن تعارضات درونی و پیچیدگی های روانی شخصیت به درستی به کار گرفته شده. وقتی خواب می بیند سگ ها جنازه ی دختر را می خورند، با ذهنی مواجه ایم که در حال فروپاشی ست؛ نه آن قدر جسور که اعتراف کند، نه آن قدر نیرومند که از غلاب و جدان رها شود. داود، یک کاپوس متحرک است که مدام از خودش در حال فرار است.

در این سریال، نجات ندادن، خودش یک جنایت است. در این جهان، آن که نجات نمی دهد، بیش از آن که بی گناه باشد، بی تصمیم است. و این، فاجعه است. «وحشی» یادآوری می کند که بزرگ ترین جنایت، همیشه قتل نیست؛ گاهی فقط نایستادن در زمان درست است...

فرسایش روان. داود نه تصمیم می گیرد، نه مقاومت می کند؛ فقط انسانی که در لحظه ی تصمیم، پشت فرمان مانده. و بعد از همه چیز، تنها چیزی که برایش می ماند، یک ضبط صوت معیوب و انگشتی گم شده است.

تماشای سکانس های خواب زده و مایخولیایی داود، حضور پررنگ ناخودآگاه فر ویدی را بر جسته می کند و برای نشان دادن تعارضات درونی و پیچیدگی های روانی شخصیت به درستی به کار گرفته شده. وقتی خواب می بیند سگ ها جنازه ی دختر را می خورند، با ذهنی مواجه ایم که در حال فروپاشی ست؛ نه آن قدر جسور که اعتراف کند، نه آن قدر نیرومند که از غلاب و جدان رها شود. داود، یک کاپوس متحرک است که مدام از خودش در حال فرار است.

در این جهان، آن که نجات نمی دهد، بیش از آن که بی گناه باشد، بی تصمیم است. و این، فاجعه است. «وحشی» یادآوری می کند که بزرگ ترین جنایت، همیشه قتل نیست؛ گاهی فقط نایستادن در زمان درست است...

۵ نکته درباره حضور «زن و بچه» سعید روستایی در کن ۲۰۲۵

از این فیلمساز مولف به انجام نرساند. بنابراین روستایی به یک کارگردان مهاجر تبدیل نشد و تصمیم گرفت با وجود مشکلات، در ایران بماند و فیلم بسازد. «زن و بچه» قطعا نخستین مزد چنین تفکری است که به کارگردان اجازه می دهد تا در مسیر موفقیت و اقبال همیشگی خود گام بردارد.

۵. با پذیرفته شدن «زن و بچه» در بخش رقابتی جشنواره کن و اکران احتمالی فیلم در تابستان امسال، تکلیف نماینده سینمای ایران برای حضور در جشنواره اسکار نود و هشتم نیز تاحدودی مشخص است. اگر فیلم بتواند در کن، افتخار آفرین ظاهر شود و پیروان، حضوری موفق در فصل جوایز داشته باشد، این مسیر برای آن هموارتر خواهد شد. البته که فیلم احتمالا بیشتر از ۷۱۸ هزار دلار اکران جهانی «برادران لیلا» خواهد فروخت اما اینکه سازمان سینمایی در حمایت از فیلم، امکاناتی را برای اکران منظم جهانی و حضور موفق تر در فصل جوایز در نظر بگیرد می تواند به اتفاق های خوبی برای سینمای ایران در اسکار ۲۰۲۶ ختم شود.

از خود به عمل آوردند. روستایی تلاش کرد تا با عدم اظهار نظر بی مورد، مسیر پیش رویش را ناهموار نکند و سازمان سینمایی که از بابت عدم همکاری مطلوب با این پروژه، تحت فشارهای سنگینی از سوی مخاطبان بود نیز تلاش کرد تا با عدم تکرار آن روش، فرصت سوزی دیگری را به سینمای ایران تحمیل نکند. پروژه تولید و راهیابی «زن و بچه» به جشنواره کن، در نتیجه مراقبت این دو قطب از یکدیگر و همکاری است که قطعا به اتفاق های به مراتب بهتری برای اکران داخلی و بین المللی این فیلم و البته حضور سینمای ایران در فصل جوایز منجر خواهد شد.

۴. این همکاری دوسویه، بیش از سازمان سینمایی، به سود سعید روستایی تمام شد. اگر اکران شکست خورده خارجی در دو کشور فرانسه و امارات برای «برادران لیلا» رقم نمی خورد، چه بسا روستایی عطای فعالیت در داخل ایران را به نقایش می بخشید آن هم در دوره ای که سازمان سینمایی وقت، تلاش چندانی برای حراست

برندهای همیشگی خود نظیر اصغر فرهادی، برندی به نام سعید روستایی دارد که بزرگ ترین جشنواره سینمایی جهان، در انتظار ساخته شدن فیلم هایش و اعتبار بخشی بیشتر به رویدادش است. ۲. این یک نمونه متعالی از همکاری سازمان سینمای با کارگردانی است که تصور می شد دیگر با مدیریت سینمایی کشور کاری ندارد. همان اتفاقی که می توانست برای «برادران لیلا» رخ داده و فیلم بدون هیچ مشکلی، در اکران ها و جشنواره های جهانی شرکت کرده و سپس در ایران به روی پرده برود، اکنون با «زن و بچه» رخ داده و حداقل تا اینجا، نیمی از راه به سلامتی طی شده است. قطعا فیلم به لحاظ مضمونی مورد پسند سازمان سینمایی بوده و اگر اتفاق سونئی در مراسم فرش قرمز، فتو کال یا سالن کنفرانس رخ ندهد می توان با آسایش، در انتظار اکران تابستانی فیلم بود.

۳. طی ۲ ساله که از نمایش فیلم «برادران لیلا» می گذرد، هر دو طرف سعید روستایی و سازمان سینمایی، مراقبت هایی جدی

گروه فرهنگ و هنر – حضور جدیدترین ساخته سعید روستایی در بخش رقابتی بزرگ ترین و مهمترین جشنواره سینمایی جهان، دربردارنده نکات مهمی است؛ نکاتی که در جریانی دوطرفه، به اتفاق های خوبی برای کارگردان و مدیریت سینمایی کشور منجر خواهد شد.

پذیرفته شدن «زن و بچه» در بخش رقابتی بزرگ ترین و مهمترین جشنواره سینمایی جهان، از چند منظر برای سینمای ایران و شخص سعید روستایی، مبارک و البته حائز اهمیت است که در ادامه به مهمترین این موارد اشاره می کنیم.

۱. برخی از رسانه های معتبر بین المللی، از ماه ها قبل این گمانه را مطرح کردند که نخستین رونمایی از فیلم جدید سعید روستایی، در جشنواره کن خواهد بود. اظهاراتی که البته خیلی جدی گرفته نشد. با اعلام اسامی فیلم های بخش مسابقه اصلی کن مشخص شد که فیلم روستایی در این فهرست جایی ندارد اما همان رسانه ها اعلام کردند که با پیشرفت مراحل فنی فیلم، تیری فرومو (دبیر جشنواره) این اثر را در بخش رقابتی وارد خواهد کرد.

همین اتفاق افتاد و «زن و بچه» در اعلامی ثانویه، وارد بخش مسابقه جشنواره کن شد. این یعنی آن که سینمای ایران اکنون فارغ از

برقراری مسیرهای جدید پروازی شرکت هواپیمایی کیش

شرکت هواپیمایی کیش در راستای سیاست های جدید خود مبنی بر گسترش مسیرهای داخلی و افزایش خدمات رسانی شایسته و مورد نظر مسافران محترم، اقدام به برقراری پرواز در مسیرهای زیر نموده است:



تهران – زنجان

زنجان – کیش

مسافران گرامی جهت کسب اطلاعات بیشتر و خرید بلیط می توانند با آژانسهای مسافرتی و یا دفاتر فروش کیش ایر تماس حاصل فرمایند و یا به سایت www.kishairlines.ir مراجعه نمایند.

روابط عمومی و امور بین الملل

شرکت هواپیمایی کیش



گروه هتل های تاپ تورز



ttgroup.ir @Toptours_Group ۰۲۱-۸۵۸۶

۴۴۴۲۴۹۶۹
۴۴۴۲۴۹۹۹

پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش

گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش

اقتصاد کیش

روزنامه